

مدخلی بر روش شناخت فقهی اشتغال زنان در نیروی انتظامی

رؤیا فرزین راد^۱

محمد عترت دوست^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۵

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال چهارم / شماره سیزدهم - پاییز ۱۳۹۸ * ۷۹-۱۰۸

چکیده

کار و اشتغال جایگاهی بس والا در اسلام دارد؛ اما بحث اشتغال زنان، به ویژه در شغلی مانند پلیس که دارای سختی‌ها و شرایط ویژه است، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و روحی، جایگاه مادری و همسری و نظام قانون‌گذاری نیازمند تحلیل و بررسی عالمانه است. امروزه با توجه به توسعه جوامع و گسترش نیازها و پیدایش ابعاد گوناگون امنیتی و با توجه به اینکه در جامعه اسلامی محدودیت‌هایی برای پلیس مرد در مواجهه با زنان متهم، مجرم و ... وجود دارد، حضور زنان در شغل پلیس برای جامعه اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. از این رو، بایسته است نگاهی دقیق و جامع به چگونگی جواز فقهی حضور پلیس زن در اجتماع داشته باشیم. در این تحقیق، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی دلایل فقهی جواز اشتغال زن در شغل پلیس و الزامات این حضور پرداخته‌ایم. با استفاده از منابع استنباط احکام (قرآن، سنت و عقل) و تأیید و تقویت اصول عملیه و قواعد فقهیه، می‌توان با رعایت مسائل شرعی، به جواز حضور زن در شغل پلیس حکم داد. رعایت حجاب، حفظ عفت در نگاه، حفظ وقار و متانت، در برخوردها و پرهیز از تماس بدنی غیرضروری از الزامات حضور زن در شغل پلیس است.

کلیدواژه‌ها: نیروی انتظامی، مبانی و اصول فقهی، قواعد فقهیه و عفت

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده عقیدتی سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

R.farzanrad@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده عقیدتی سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

M.etratdoost@chmail.ir

طرح مسئله

موضوع اشتغال زنان - گرچه از دیرباز مورد توجه محققان بوده است - با توسعه فعالیت زنان در اجتماع و به ویژه با گسترش نظریه های فمینیستی، چندی است بیش از پیش مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفته است و از نگاه دینی و فقهی نیز مورد بررسی واقع شده است. با وجود این، اشتغال زنان در پلیس، به طور خاص، به شکلی جامع مورد بررسی قرار نگرفته است و فقط برخی از ابعاد آن نظیر حضور زنان در عرصه سیاست مورد تحقیق واقع شده است؛ از این رو، تحقیق حاضر در پی آن است که به بررسی جوانب فقهی اشتغال زنان در پلیس به شکل کلی و الزامات فقهی این حضور بپردازد.

روشن است که در یک جامعه دینی، مهم ترین مسئله در موضوعات جدید نوع نگاه دین به مسئله و جواز دینی آن است؛ از این رو، به نظر می رسد که لازم است به طور دقیق تر به فقهی مسئله اشتغال زنان در نیروی پلیس پرداخته شود. از یک سو، به دلیل وجود ضرورت های متفاوت، مدت هاست که درباره وجود پلیس زن در جامعه اسلامی احساس نیاز شده است و از سوی دیگر، وجود برخی از تردیدها در حضور اجتماعی زن به ویژه در مشاغل سختی چون پلیسی از نگاه شرعی همواره دغدغه مسئولان و محققان متعهد بوده است. بنابراین، امید است که این تحقیق و تحقیقات مشابه بتوانند در حل این مسئله مفید واقع شوند.

در کشور ما، حضور زنان پلیس در سازمان شهربانی سابق و در سال های پیش از انقلاب اسلامی، مطرح بوده است. اصرار رژیم پهلوی برای حضور زنان با هیئت و فرمی خاص که به ویژه با فرهنگ دینی و هنجارهای اخلاقی جامعه، مغایرت داشت و به مثابه ابزاری در تقابل با دین در جامعه استفاده می شد، مورد قبول توده مردم مسلمان قرار نگرفت و طبیعی است که نگرش مثبت و خوش بینانه ای در خصوص چنین حضوری از زن در صحنه جامعه وجود نداشت. همین نحوه نگرش باعث شد که در سال های آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع پلیس زن در دستگاه انتظامی جمهوری اسلامی ایران منتفی شود (رأیجی پارسایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۶).

پس از انقلاب اسلامی و تشکیل نیروی انتظامی، با توجه به دامنه و حوزه های ماموریتی ناجا، حضور پلیس زن ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. لذا با تلاش های امیر هدایت لطفیان فرمانده وقت ناجا، جواز فقهی اشتغال زنان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸ دریافت و پلیس زن بطور رسمی و با رعایت ملاحظات شرعی، به نقش آفرینی در عرصه نظم و امنیت پرداخت. از سوی دیگر، زنان به مثابه نیمی از جمعیت تأثیرگذار جامعه که از روحیات

و ویژگی‌هایی متفاوت با مردان برخوردارند، برای حل برخی از مشکلات ناشی از برخوردهای ناسالم اجتماع یا خانواده و... نیاز به پلیس تخصصی زن بود، لذا حضور پلیس زن جهت ارائه خدمات پلیسی و مشاوره‌های حقوقی به زنان می‌تواند به میزانی چشمگیر رضایتمندی آنها را - به مثابه بخشی عمده از جامعه - از سازمان پلیس افزایش دهد.

پیشینه

نگاهی گذرا به تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که تاکنون یک پژوهش فقهی جامع در موضوع اشتغال زن در پلیس صورت پذیرفته است؛ به عبارت دیگر، تمامی تحقیقات پیشین، یا منحصر در بررسی فقهی اشتغال زنان به شکل کلی یا حداکثر در بخشی از پلیس بوده است و تاکنون به شکل جامع به مسئله اشتغال زنان در پلیس پرداخته نشده است. همچنین، در غالب این تحقیقات به پیشینه موضوع اشاره‌ای نشده و گاهی نیز به جدید بودن این حوزه پژوهش تصریح کرده‌اند.

نزدیک‌ترین موضوع تحقیق صورت گرفته به تحقیق پیش رو را رائجی پارسایی و همکارانش (۱۳۹۴) داشته‌اند. ایشان در تحقیق خود با عنوان "مبانی فقهی نقش پلیس زن در یگان‌های ویژه" به مبانی فقهی حضور زن در این یگان‌ها پرداخته‌اند. این تحقیق از نوع توصیفی است که با روش کتابخانه‌ای، مبانی فقهی نقش پلیس زن را در یگان ویژه در سه بخش ادله فقهی، الزامات و احکام تکلیفی مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق در بخش مبانی فقهی، قرآن کریم، سنت عملی، دلیل عقلی و قواعد فقهی را در برمی‌گیرند. بر اساس نتایج این تحقیق، مشارکت پلیس زن در یگان ویژه، مستلزم رعایت حدود شرعی، وقار در کردار و رعایت حجاب است. در بخش پایانی تحقیق نیز حکم تکلیفی حرمت مراجعه به غیر مماثل در موارد غیر ضروری و لزوم به‌کارگیری پلیس زن در ارتباط با متهمان و مجرمان زن در راستای مأموریت‌های این یگان را اثبات می‌کند. گرچه این تحقیق با اشاره به مبانی فقهی حضور پلیس زن، اشتراکی روشن با تحقیق پیش رو دارد، نپرداختن به پلیس زن در غیر یگان‌های ویژه، از نقاط افتراق تحقیق مزبور با تحقیق پیش رو است.

شایگان، مباشر مقدم و محمدقلی‌ها (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "چالش‌های فقهی - حقوقی تصدی مناصب انتظامی توسط زنان در جمهوری اسلامی ایران" به این نتیجه رسیده‌اند که مستند قابل پذیرش قطعی در رابطه با عدم جواز تصدی‌گری زنان در عرصه انتظامی به عنوان یک تصدی حاکمیتی وجود ندارد و اصل اهلیت و اصول مرتبط با مسئله اشتغال در

قانون اساسی و سایر مواد قانونی مرتبط نیز جواز حضور زنان در عرصه مناصب انتظامی را تأیید می‌کنند. در نهایت، این گونه بیان می‌کنند که در زمینه تصدی مناصب انتظامی توسط زنان، مانع فقهی و قانونی وجود ندارد. روشن است که این تحقیق، از بعد سیاسی و ولایتی به موضوع پرداخته است و نه بعد اشتغال زن که بحثی دیگر است. همچنین، در این پژوهش، به پیشینه موضوع اشاره‌ای نشده است.

شبهه این تحقیق را عترت دوست و وزیرى فرد (۱۳۹۲) با عنوان "بررسی ادله فقهی مخالفان ولایت سیاسی زنان در فقه شیعه" انجام داده‌اند. البته در این تحقیق، محدودیت مناصب انتظامی وجود ندارد و شامل تمام مناصب سیاسی می‌شود؛ در نتیجه تحقیق، روشن می‌شود که به آیات قرآن در منع ولایت سیاسی زنان نمی‌توان به طور قاطع استناد کرد؛ گرچه - در صورت اثبات - از برخی از آن‌ها بتوان به مثابه مؤید بهره برد؛ اما با توجه به روایات مشهور باب و اجماع علمای فریقین در منع ولایت عام برای زنان، می‌توان حکم به ممنوعیت ولایت سیاسی عام در سطح حاکم امت اسلامی و ولی فقیه برای زنان نمود. اما در سطوح پایین‌تر و در ولایاتی چون ریاست دولت و نمایندگی مجلس و وزارت و مدیریت های دیگر، نمی‌توان حکمی این چنین داد. این تحقیق نیز همچون تحقیق پیشین به بعد سیاسی حضور زن پرداخته است و به جواز فقهی حضور اجتماعی زنان به ویژه در شغل پلیسی پرداخته نشده است.

البته در موضوع زن و مشارکت سیاسی زنان، مقالات زیادی نوشته شده است؛ از جمله می‌توان به این مقالات اشاره کرد: "شایستگی زنان برای قضاوت و مناصب رسمی" (مهریزی، ۱۳۷۶)، "سیاست، گرایش‌ها و نگارش‌ها" (معرفت، ۱۳۷۶)، "زن و مشارکت سیاسی در اسلام" (جوانمرد، ۱۳۸۷) و... این تحقیقات و تحقیقات مشابه هم به نگاه فقهی به اشتغال زن به ویژه در شغل پلیسی پرداخته‌اند.

جعفرپور (۱۳۸۶) نیز در تحقیقی با عنوان "بررسی فقهی و حقوقی اشتغال زنان" موانع مختلف اشتغال بانوان را به صورت موانع حقوقی، اجتماعی و بیولوژیکی برشمرده است و در پایان پیشنهادهایی برای رفع موانع اشتغال زنان مطرح نموده است. در این تحقیق که شاید نزدیک‌ترین تحقیق به موضوع تحقیق پیش رو است، بحثی از اشتغال زنان در شغل پلیس نیامده است و به پیشینه موضوع نیز اشاره‌ای نشده است.

عاقبتی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "پژوهشی در اشتغال بانوان از دیدگاه اسلام" از برآیند روایات و نظرهای فقها، چنین استنباط کرده است که اشتغال بانوان با حفظ عفاف و ضرورت، منع شرعی ندارد. روشن است که این تحقیق نیز به نگاه فقهی اشتغال زن در پلیس پرداخته است. افتخار جهرمی و داودی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "اشتغال زن و نقش اجازه شوهر در آن" یکی از موارد تراحم حقوق و تکالیف زن و مرد پس از عقد ازدواج را "اشتغال زن" می‌داند؛ چرا که لازمه اشتغال - به ویژه اشتغال در خارج از خانه - خروج زن از منزل است؛ در حالی که خروج زن از منزل ممکن است با تمکین او از شوهر و حفظ مصالح خانواده مغایرت پیدا کند. چنانچه بین زن و شوهر درباره اشتغال زن توافق وجود داشته باشد، مشکلی متوجه آنان و خانواده نخواهد بود؛ اما اگر شوهر با اشتغال زن مخالفت کند، حل این مشکل باید با مراجعه به قانون و موازین فقهی صورت پذیرد. اگرچه قانون اساسی و قانون مدنی اصل اشتغال زن را پذیرفته‌اند اما تعیین محدودیت‌هایی در قانون مدنی سبب شده است که در عمل، اصل مذکور با مخاطراتی مواجه شود. نویسنده مقاله در پایان این گونه نتیجه می‌گیرد که با وجود اینکه فقها درباره اشتغال زن، نظرهای متفاوتی بیان نموده‌اند و حتی برخی از فقها به آزادی اشتغال زن نیز فتوا داده‌اند اما به نظر می‌رسد که قول مشهور فقها بنا به دلایل فقهی، به ویژه حفظ مصالح خانواده، منع و مخالفت با اشتغال زن در بیرون از خانه باشد؛ اما فقهای معاصر، با لحاظ شرایط فعلی خانواده و جامعه، به موافقت با اشتغال زن گرایش بیشتری دارند. در هر صورت، بر اساس قانون مدنی، گرچه به طور ضمنی، اصل آزادی اشتغال زن پذیرفته شده است ولی به زوج اجازه داده است که تحت شرایطی با شغل زن مخالفت کند. گرچه در این تحقیق، به ابعاد فقهی اشتغال زن به گونه‌ای مفصل‌تر پرداخته شده است اما به شغل پلیسی، مخاطرات، شرایط و ویژگی‌های آن اشاره‌ای نشده است. همچنین، ابعاد نگاه فقهی به اشتغال زن، فقط به موضوع اجازه شوهر محدود بوده است.

جلالی‌کندری (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان "آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام" جواز حضور اجتماعی زنان را با استناد به شواهد تاریخی مسلم گرفته است و به آداب لازم در این باره پرداخته است. در این تحقیق نیز علاوه بر اینکه به شرایط خاص اشتغال زن در پلیس اشاره‌ای نشده است، به ابعاد مختلف فقهی اشتغال زن نیز به طور واضح پرداخته نشده است. حسن زاده (۱۳۹۵) نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی مبانی فقهی و احکام اشتغال بانوان در محیط‌های اجتماعی" به آداب فقهی حضور اجتماعی زنان در مشاغل مختلف پرداخته است اما اشاره‌ای به اشتغال زن در شغل خاص پلیسی نکرده است.

نوری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام" پس از اشاره به تساوی زن و مرد در اسلام در ارزش‌های انسانی، جایگاه اقتصادی زن در اسلام و ادله جواز اشتغال زنان، به ارجحیت نقش‌های خانوادگی زنان بر اشتغال در بیرون از منزل اشاره می‌کند و در ادامه نیز پیامدهای اشتغال زنان را برمی‌شمارد و این‌گونه بیان می‌کند که: «اسلام در زمینه اشتغال زنان، به دلیل تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و مسئولیت‌های متفاوت آنها در خانواده و حفظ عفت عمومی، با اصل اشتغال زنان مخالفتی ندارد؛ اما به دلیل اهمیت ویژه‌ای که برای پرورش نسل آینده قائل است، اشتغال مادران را در صورت تعارض و تقابل با نقش مادری تأیید نمی‌کند.» در این مقاله نیز به خوبی به برخی از آثار اشتغال زنان و دلیل برخی مخالفت‌ها با آن در نگاه دینی اشاره شده است اما مقاله نه تنها جامع نیست بلکه در آن به شغل پلیسی نیز اشاره‌ای نشده است.

تاج مزینانی و یاسری (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان "بررسی سیاست‌گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران" بیش از همه، از اینکه فعالیت اجتماعی زنان به عنوان یک حق ذیل سیاست اشتغال زنان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده و هیچ تمهید قانونی برای آن پیش‌بینی نشده است، گلایه می‌کند. همچنین، به عقیده ایشان، حمایت از زنان خانه‌دار و تأمین اقتصادی و ارزش‌گذاری کار آنها مغفول مانده است. این تحقیق نیز به اشتغال زنان در بیرون از منزل اشاره جدی نداشته است.

العبدالخانی و بحرینی (۱۳۹۴) نیز در تحقیقی با عنوان "جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام" بر این نظرند که سبک زندگی مهدوی، اشتغال زنان را با رعایت اصول مورد نظر اسلام (یعنی کاهش اختلاط جنسی و اولویت نقش مادری و همسری و عدم تعارض آن با وظایف خانوادگی زن) جایز می‌داند و در صورت تعارض، اشتغال زن را تأیید نمی‌کند. این تحقیق نیز به ویژگی‌های اشتغال زن در شغل پلیسی اشاره‌ای ندارد.

چوپانی رستمی و مدبر (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "پلیس زن و خانواده با تأکید بر نقش اشتغال زنان بر خانواده" عوامل زیر را بررسی کرده‌اند: مقایسه آماری اشتغال زنان ایران با کشورهای خاورمیانه، ضرورت‌های به کارگیری زنان در جامعه، مشکلات کاری پلیس زن، مزایا و معایب اشتغال زنان و آثار اشتغال پلیس زن و ارتباط اشتغال زنان با تقسیم کار در خانواده. در پایان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که اشتغال زنان، تأثیر مستقیمی بر بنیان خانواده خواهد داشت. روشن است که این تحقیق نیز -گرچه به طور مستقیم به اشتغال زن در پلیس اشاره کرده است- به ابعاد فقهی آن اشاره‌ای نداشته است.

میرزایی و فرهنگ (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان "تحلیل مبانی فقهی، حقوقی و جامعه‌شناختی اشتغال زنان" اشاره داشته‌اند که با توجه به اهمیت خانواده در اسلام و نقش بی‌بدیل زن در خانواده، اشتغال زنان باید به گونه‌ای باشد که به کانون گرم خانواده لطمه وارد نسازد و تا جایی که ممکن است باید پیامدهایی که اساس خانواده را تهدید می‌کند، کاهش داد. در این تحقیق نیز به اشتغال زنان در پلیس پرداخته نشده است.

حاجی محمد حسن (۱۳۹۴) نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی موارد منع و محدودیت اشتغال زنان از دیدگاه فقهی و حقوقی" اشاره می‌کند که در نظام حقوقی اسلام، بر اساس مصالح جامعه اسلامی، حفظ بنیان و اساس خانواده، مصلحت زنان و سایر مصالح اسلامی و عقلایی، محدودیت‌ها و ضوابطی برای اشتغال زنان در نظر گرفته شده است تا از آن طریق، مصالح مهم‌تر و اساسی‌تر حفظ و اهدافی که برای خانواده و جامعه اسلامی ترسیم شده است، محقق و عملی گردد و یکی از موارد ممنوعیت و محدودیت اشتغال بانوان، ناشی از محیط و نوع شغل است. البته در این پژوهش نیز به شغل خاص پلیسی اشاره‌ای نشده است.

آذربایجانی (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان "عدالت جنسیتی و اشتغال زنان" اشتغال زنان را حقی می‌داند که تحت ضوابط کلی اشتغال است و آن ضوابط را تناسب شغل با ویژگی‌های زنانه، رعایت حجاب، عفاف و عدم اختلاط و عدم تعارض شغل زن با حقوق شوهر و وظیفه مادری معرفی می‌کند. در پایان نیز الگوی اشتغال نیمه وقت - را که به عقیده وی متناسب با عدالت جنسیتی است - برای زنان پیشنهاد می‌کند. در این تحقیق نیز علاوه بر اینکه شغل پلیسی به طور خاص پرداخته نشده است، تمرکزی بر مباحث فقهی نیز صورت نگرفته است.

احمدیه (۱۳۸۸) در تحقیق خود به شکلی کامل‌تر به اشتغال زنان نگاه کرده است. وی پس از تبیین جواز اشتغال زنان به شکل کلی، در یک تقسیم‌بندی، اشتغال را به اقسام واجب، مباح، مستحب، مکروه و حرام تقسیم نموده است و سپس هر یک را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده است. با وجود تفصیل مطالب در این تحقیق، به ویژگی‌های شغل پلیسی برای زن اشاره‌ای نشده است.

زیبایی نژاد (۱۳۸۸) نیز در بخشی از تحقیق خود با عنوان "اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها" از نگاه مدیریت اجتماعی "به رویکرد دینی اشتغال زنان می‌پردازد و در این زمینه، به لزوم تفکیک جنسیتی فعالیت‌ها، تجویز فعالیت‌های اجتماعی زنان، لزوم کم کردن زمینه‌های اختلاط و تبرج، مسئولیت اقتصادی مردان، توجه به مسئولیت‌های اجتماعی زنان، تقویت

حمایت‌های خویشاوندی و سیاست‌های مرتبط با اشتغال زنان اشاره نموده است اما در این تحقیق نیز به ویژگی‌های شغل پلیسی برای زن و نگاه فقهی به آن اشاره‌ای نشده است. بلالی، سیاح و محبی (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان "ورود زنان به مشاغل مردانه: دلایل و پیامدها واکاوی کیفی آرای کارشناسان" نگاهی جدید به اشتغال زنان داشته‌اند. در نتیجه تحقیق، تعالی توانایی‌های فردی و ارتباطی زنان و تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی از دلالت‌های مثبت ورود زنان به مشاغل مردانه ذکر شده است؛ همچنین، جداسازی مشاغل زنان مانع پرورش استعدادها و تقویت باورهای جنسیتی در جامعه و عدم تعادل اقتصادی جنسیتی قلمداد شده است. اما پیامدگرایان منفی‌گرا ورود زنان به مشاغل مردانه را مرادف با فاصله‌گیری زنان از دنیای زنانه، عدم تعادل هویتی و شخصیتی، فرسودگی جسمی و روانی، کاهش فرصت ازدواج، ناامنی اخلاقی و جنسی برای زنان درگیر در این مشاغل و بازخوردهای اجتماعی مردانه دانسته‌اند. در این تحقیق نیز به نگاه فقهی به مقوله اشتغال زنان، از جمله اشتغال در پلیس، اشاره‌ای نشده است.

چارچوب نظری

"فقه" در لغت، رسیدن به علم غایب به وسیله علم موجود و اخص از علم آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۲). صاحب معالم نیز در تعریف فقه این گونه گفته است: «فقه در لغت، به معنای فهمیدن است و در اصطلاح، عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل‌های تفصیلی آنها» (عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۹۰).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی، اصل آزادی اشتغال برای همگان را به رسمیت شناخته و دولت را موظف نموده است تا با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی جهت احراز مشاغل را ایجاد نماید. همچنین، دولت موظف شده است که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید (اصول ۲۱، ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی)، اگرچه قانون اساسی، اصل آزادی اشتغال را نسبت به همه آحاد جامعه پذیرفته است اما در قانون مدنی، این اصل درباره اشغال زن با محدودیت‌هایی همراه شده است. ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ به شوهر اجازه داده است که مانع اشتغال زن به حرفه یا صنعتی شود که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت مرد یا زن باشد. علاوه بر آن، ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ نیز همین حق را

برای مرد به رسمیت شناخته است. حال، با توجه به مراتب فوق و وجود این حقیقت که اینکه تضمین حقوق زن مقید به رعایت موازین اسلامی است و در موازین اسلامی نیز محدودیت‌هایی در زمینه حق زن از حیث متابعت از نظر شوهر وجود دارد، حق اشتغال زن با توجه به این قیود و دیدگاه‌های فقها از نظر مقنن قابل بررسی است (افتخار جهرمی و داودی، ۱۳۹۰: ۱۰).

شغل پلیس زن از جمله مشاغلی است که در ارتباط مستقیم با مردم و از جمله مجرمین و آسیب دیدگان است. نیاز جامعه به پلیس زن برای تأمین امنیت و خدمت‌رسانی به زنان جامعه، با رعایت تمامی اصول و ضوابط اسلامی سبب می‌شود که در صحنه‌های مختلف پلیسی، بر اساس احتیاج جامعه وارد شوند (شایگان، ۱۳۹۵: ۱۰۵). نیروی انتظامی در راستای انجام وظایف اساسی خود به‌ویژه در پیشگیری و ارائه خدمات، با اقشار گوناگون زنان و دختران، سروکار دارد و سهولت و صحت خدمات نیز به لحاظ اجرایی و هم‌شرعی ایجاب می‌کند که کار زنان در نیروی انتظامی، توسط خود زنان انجام پذیرد؛ بنابراین، لذا در تعریف پلیس زن، گفته شده است که همان پلیس و به معنای «حافظ نظم، کنترل‌کننده، اداره‌کننده و نظارت‌کننده بر امور است» (رئایجی پارسایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۳).

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است؛ بدین صورت که پس از مطالعه تحقیقات مشابه پیشین و بررسی آنها، به جمع‌آوری ادله فقهی در موضوع مورد بحث پرداخته شد، سپس با تحلیل فقهی، جواز حضور زنان در شغل پلیس و الزامات فقهی این حضور مورد بررسی قرار گرفت. در واقع، بهترین روش برای بررسی مبانی فقهی یک موضوع، بررسی تحلیلی توصیفی منابع فقهی گذشته درباره آن می‌باشد و اصلی‌ترین منابع فقهی نیز کتاب و سنت است. فقه اسلام پویاست و همواره برای تمامی سؤالات جامعه، دارای پاسخ مناسب است و وظیفه دانشمندان اسلامی استنباط احکام شرعی از دل این منابع اصلی است.

پلیس زن و امر به معروف و نهی از منکر

یکی از فروع دین که در منابع دینی بسیار بر آن تأکید شده است، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. این مسئله امری عام است که بر هر مرد و زنی واجب است. هدف امر به معروف و نهی از منکر، بسیار آشکار است و لفظ و عنوان این واجب نشان می‌دهد که هدف آن، واداشتن

مردم به ارزش‌های الهی و بازداشتن آنها از محرمات و مناهی خداوند است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فلسفه غایی این امر، پاکسازی فرد و جامعه از ناشایستگی‌ها و آراستن آن به نیکی‌هاست. استاد شهید مرتضی مطهری در این باره معتقد است: «امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبْقِیَه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا يك کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ اصلاً آیا ممکن است يك سازمان همین‌طور به حال خود باشد، هیچ درباره‌اش فکر نکنیم و در عین حال، به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه هم چنین است.» (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۷: ۲۳۵).

بر این اساس، در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس اعتقاد دیرینه به حکومت حق و عدل تأسیس شده است، در اصل هشتم، امر به معروف و نهی از منکر از وظایف همگانی و متقابل مردم و دولت ذکر شده است. نظارت همگانی و حضور مردم در صحنه جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر، تحقق بخش حاکمیت مردم بر سرنوشتشان است که در اصل پنجاه و ششم از سوی خدا بر آن حاکم شده‌اند (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

توالی منطقی احکام قرآن درباره امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به این ترتیب ملاحظه کرد: ۱. تشویق افراد به امر به معروف و نهی از منکر^۱؛ ۲. عبرت از آثار نامطلوب ترک امر به معروف و نهی از منکر^۲؛ ۳. وجوب امر به معروف و نهی از منکر برای مسلمانان^۳. امر به معروف و نهی از منکر به عنوان خصلت مسلمانان^۴ (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

پلیس زن و خانواده

به طور کلی، شغل پلیس مانند بسیاری از مشاغل سخت دیگر، دارای آسیب‌هایی است که وجود آنها برای پلیس زن، به دلیل مسئولیت‌هایی که زن به ویژه در جامعه اسلامی ایران بر عهده دارد اجتناب ناپذیر است؛ بنابراین، نیاز است که در جامعه اسلامی، با توجه به اهمیت خانواده و تربیت فرزند، راهبردهای جامع و متقنی پیش روی برای بانوان قرار داده شود. زن پلیس متأهل، به حکم زن بودن، یکی از ارکان اساسی خانواده محسوب می‌شود و وظیفه

۱. لقمان: ۱۷

۲. اعراف: ۲۳ و ۲۴

۳. آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰

۴. توبه: ۷۱

او برقراری و حفظ امنیت و آرامش در خانواده است؛ اما به حکم پلیس بودن و خاص بودن شغل پلیس، برخورداری از مسئولیت‌های ویژه و فقدان ساختارهای مناسب سازمانی، به طور پیوسته در معرض آسیب‌ها و لطمات فردی، خانوادگی و اجتماعی است. مشکلاتی همچون نبود فرصت کافی برای رسیدگی به امور منزل و به دنبال آن، ناراضیتی همسر، نبود فرصت کافی برای توجه و رسیدگی به امور فرزندان و به دنبال آن، تنش‌های خانوادگی و... فشار روانی ناشی از شیفتی بودن شغل پلیس و نیز فشار جسمانی ناشی از این امر نیز از دیگر موارد مشکل‌آفرین است. ضعف امکانات سازمانی و نیز درک مردانه از شغل پلیسی از دیگر آسیب‌های این شغل به شمار می‌رود.

گفتنی است در نگرش امام خمینی (ره) به جایگاه زن، هر چند حق حضور زن در غالب امور اجتماعی محفوظ است اما مقام مادری برای زن دارای جایگاهی ویژه است؛ به حدی که ایشان آن را شغلی شریف و بالاترین شغل برای زن برمی‌شمردند: «در طول این سلطنت، اینها کوشش کردند که مادرها را از بچه‌ها جدا کنند. به مادرها تزریق کردند که بچه داری چیزی نیست، شما توی ادارات بروید. جدا کردند این بچه‌های معصوم را که باید تربیت بشوند از دامنه‌های مادر و بردند در پرورشگاه‌ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی، اشخاص غیر رحیم، آنها را تربیت می‌کردند؛ تربیت فاسد. بچه‌ای که از مادرش جدا شد، پیش هر که باشد، عقده پیدا می‌کند؛ عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می‌شود. بسیاری از این قتل‌هایی که واقع می‌شود، روی عقده‌هایی است که پیدا می‌شود و عقده‌ها بسیاری از این پیدا می‌شود که مادر از اولاد جدا باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۹: ۱۳۶-۱۳۷). بنابراین، به طور حتم، اولویت نخست زن، حضور در منزل و تربیت نسل آینده است؛ ولی گاهی ضرورت‌هایی ایجاب می‌کند که زن در جامعه و مشاغل مختلف حضور یابد.

مأموریت‌ها و وظایف پلیس زن در نیروی انتظامی

با توجه به تنوع مأموریت‌های سازمان و با در نظر گرفتن موازین اسلامی و توجه به شرایط ویژه جسمی و روحی زنان، پلیس زن می‌تواند در مأموریت‌های مختلف سازمان ادای وظیفه کند. این موارد به شرح زیر است:

۱- مشارکت و همکاری با همکاران پلیس مرد در مقابله با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل مخل امنیت کشور؛

- ۲- مشارکت در تأمین امنیت برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیمایی‌ها و فعالیت‌های قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هر گونه تشکل و اجتماع غیرمجاز و مقابله با اغتشاش، بی‌نظمی و فعالیت‌های غیرمجاز؛
- ۳- مشارکت و اقدام برای کسب اخبار و اطلاعات مورد نیاز واحدهای عملیاتی؛
- ۴- مشارکت در محافظت از مسئولان و شخصیت‌های داخلی و خارجی؛
- ۵- مشارکت در مبارزه با مواد مخدر به ویژه در جمع‌آوری اخبار و اطلاعات، بازجویی، تحقیق و تشکیل پرونده؛
- ۶- مشارکت در مبارزه با قاچاق کالا؛
- ۷- مبارزه با منکرات و فساد؛
- ۸- مشارکت در پیشگیری از جرم؛
- ۹- مشارکت در کشف جرم؛
- ۱۰- مشارکت در بازرسی و تحقیق درباره جرایم مختلف؛
- ۱۱- مشارکت در دستگیری متهمان و مجرمان زن و جلوگیری از فرار آنها؛
- ۱۲- مشارکت جدی و شایان توجه در ابلاغ و حتی در بعضی از موارد، اجرای احکام قضایی؛
- ۱۳- مشارکت شایان توجه در تشخیص هویت و کشف علمی جرایم؛
- ۱۴- مشارکت در اجرای امور گذرنامه؛
- ۱۵- همکاری در نظارت بر اماکن عمومی؛
- ۱۶- مشارکت مؤثر در مشاغلی که به حفظ و صیانت از سازمان مربوط است؛
- ۱۷- مشارکت مؤثر در مشاغلی که در مورد حاکم کردن فرهنگ و ضوابط اسلامی در سازمان است؛
- ۱۸- مشارکت شایان توجه در اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی به خصوص در امور ستادی، نظارتی و فرهنگ‌سازی؛
- ۱۹- مشارکت در اجرای مقررات نظام وظیفه و انجام کار در بخش‌های مختلف معاونت وظیفه عمومی ناجا؛
- ۲۰- انجام وظیفه در مشاغل ستادی که در مورد حاکم نمودن فرهنگ و ضوابط اسلامی در سازمان است؛
- ۲۱- انجام وظیفه در امور روابط عمومی‌ها در سازمان (مرادخانی، ۱۳۸۸: ۲۰۸ و ۲۰۹).

روشن است که دایره مشارکت زنان در فعالیت‌های پلیسی بسیار وسیع است اما نکته مهم این است که گرچه امکان فعالیت در بعضی از این امور توسط مردان نیز وجود دارد اما در بسیاری از این امور و جایگاه‌ها، زنان به واسطه شرایط خاص جسمی و روحی و شناخت از جنس زن و رعایت مسائل شرعی تماس با نامحرم در اولویت هستند و چه بسا مردان در بسیاری از موارد، از توان مقابله مؤثر با جرایم زنان همچون مأموران پلیس زن بی بهره اند.

مبانی فقهی جواز حضور زن در شغل پلیس

کتاب (قرآن کریم)، سنت (روایات و سیره عملی و تقریری معصومان علیهم السلام)، عقل و اجماع حاکمی از سنت مهم ترین منابع فقهی است که دانشمندان امامیه برای بررسی مبانی فقهی امور مختلف به آنها استناد نموده و حکم شرعی را با توجه به آنها استنباط می‌کنند. "قواعد فقهی" به معنای احکام کلی جاری در ابواب گوناگون فقه است که فقها از اصول پیش گفته برداشت نموده‌اند و "اصول عملیه" نیز اصول یا ضوابطی است که در موارد بروز شک در تعیین حکم شرعی، تکلیف مکلف را روشن می‌سازد و ملجأ نهایی مکلفی است که به دلیل اماره‌ای دست نیافته است. سیره فقها در استنباط حکم شرعی، پس از استناد به منابع اصلی چهارگانه، استفاده از قواعد فقهی و در نهایت، در صورت نیافتن دلیل اجتهادی، استفاده از اصول عملیه است. نظرات منابع چهارگانه فقهی در باب زنان و اشتغال آنها بدین شرح است:

الف- قرآن

قرآن کریم در مواردی بسیار، زن و مرد را همانند یکدیگر می‌داند و یا اموری را برای زنان جایز می‌شمارد که می‌توان از آن برای جواز اشتغال پلیس زن بهره برد.

۱- همانندی زن و مرد در کسب ارزش‌ها

دسته‌ای از آیات قرآن ناظر به این است که مرد و زن در کسب ارزش‌ها یکسان هستند. از آن جمله این آیات:

«فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ؛ پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگر تباہ نمی‌کنم.» (آل عمران: ۱۹۵)

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا؛ کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا زن - در حالی که مؤمن باشند، آنان

داخل بهشت می شوند و به قدر گودی پشت هسته خرمایی، مورد ستم قرار نمی گیرند.)) (نساء: ۱۲۴)
 «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ
 وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ
 وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛
 مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو
 و مردان و زنان شکيبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار
 و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند، خدا برای [همه] آنان
 آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.» (احزاب: ۳۵)

این گونه آیات که فقط به سه نمونه از آنها اشاره شده است، نشان می دهد که زن و مرد در کسب
 فضایل و جایگاه نزد خداوند یکسان هستند و مردان در این زمینه هیچ برتری و فضلی ندارند.

۲- امر به معروف و نهی از منکر

از دیگر موارد قابل استناد به نگاه همراه با جواز قرآن به حضور در شغل پلیسی، جواز و حتی
 وجوب نهی از منکر بر زنان است. بر اساس آیه ۷۱ سوره توبه، زنان همچون مردان حق و وظیفه
 امر به معروف و نهی از منکر دارند:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ
 الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان و
 زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند. و نماز را بر پا
 می دارند. و زکات را می پردازند. و خدا و رسولش را اطاعت می نمایند. خداوند به زودی آنها را
 مورد رحمت خویش قرار می دهد. خداوند توانا و حکیم است.»

یکی از مبانی حکم فقها به وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر مرد و زن، همین آیه است
 که بر اساس آن، زن و مرد مسلمان باید به این وظیفه دینی قیام کنند. بسیاری از موارد حضور
 پلیس زن را می توان در جایگاه امر به معروف و نهی از منکر تعریف نمود؛ بنابراین، از جهت
 وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیز می توان لزوم حضور پلیس زن را تقویت نمود.

۳- جواز کسب درآمد مرد و زن

بر اساس آیه ۳۲ سوره نساء، زن و مرد به طور یکسان حق کسب درآمد را دارند. یکی از ابعاد
 شغل پلیسی نیز کسب درآمد است که بر اساس این آیه، زنان نیز از این حق برخوردار می باشند:
 «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا

اَكْتَسَبْنَ وَاَسْأَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا؛ و نعمت‌ها و مال و ثروتی که خدا به سبب آن برخی از شما را بر برخی برتری داده است، آرزو مکنید [که آرزوی مایه حسد و فساد است. این تفاوت‌ها و برتری‌ها لازمه زندگی دنیا و بر اساس محاسبات حکیمانه است، اما در عین حال] برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان هم از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و [با کمک تقوا و عمل صالح] از بخشش خدا بخواهید، یقیناً خدا همواره به همه چیز داناست.» (نساء: ۳۲)

البته در مورد واژه "نصيب" سه احتمال داده شده است؛ برخی گفته‌اند که مراد از این واژه "پاداش‌های اخروی" است، برخی گفته‌اند که مراد "ارث و میراث" است و برخی دیگر معتقدند که منظور، همین "نصيب‌های دنیایی" مانند منافع اقتصادی، کشاورزی و... است. بسیاری از مفسرین، معنای سوم را بیان کرده‌اند (پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان مهرخانه، ۱۳۹۶). در هر صورت، از آیه مزبور جواز کسب درآمد به طور یکسان برای مرد و زن برداشت می‌شود که اشتغال در پلیس نیز یکی از این موارد کسب درآمد است.

ب- سیره و سنت

در سیره معصومان (ع) موارد بسیاری وجود دارد که ایشان از زنان در امور نظامی بهره برده‌اند و یا آن را تقریر و تأیید کرده‌اند. در این بخش به برخی از این موارد اشاره شود.

۱. حضور زنان در جنگ‌های رسول خدا

پیغمبر اکرم (ص) زنها را در جنگ‌ها شرکت می‌داد ولی آنها کارهایی را که بیشتر با توان جسمی و روحی آنها متناسب بود، انجام می‌دادند؛ هر چند به طور حتم، در مواقع شدت جنگ، زنها هم شمشیر برداشته و به دفاع می‌پرداختند؛ چنان که در جهاد اسلامی، در زمان دفاع، زن و مرد، کوچک و بزرگ، همه باید مشارکت کنند؛ اما طبق نقل تاریخ، رسول اکرم تا جایی که ممکن بود زنها را به کارهای متناسب با توان جسمی و روحی آنها نظیر پرستاری از زخمی‌ها می‌گماشت؛ به عنوان مثال، به نقل از شهید مطهری «تُسَيِّبُهُ جَرَّاحَهُ زَنِي است که در جنگ احد شرکت کرد و در جنگ‌ها زیاد شرکت می‌کرد و یکی از کارهای جراحی بود؛ به این معنی که زخم‌ها را پانسمان می‌کرد. او و زنهای دیگری وسایل پانسمان را با خود به میدان جنگ می‌بردند و مجروحین را پانسمان می‌کردند که این خود همکاری است و احياناً اتفاق می‌افتاد که همین نسبی، خودش می‌جنگید. در جنگ احد خیلی جنگیده است و خودش جزء مجروحین شد.

ضربتی روی شانه‌اش فرود آمد. به قدری این ضربه سنگین و هولناک بود که بعد از اینکه معالجه شد، گودالی روی شانه‌اش باقی ماند» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴، ص ۲۲۸). این حضور نشان می‌دهد که پیامبر گرامی اسلام که تقریرشان نیز حجت است، حداقل در موارد ضروری، حضور زن در میدان مبارزه و جنگ را جایز می‌دانند.

۲. اعزام عایشه به مدینه در پایان جنگ جمل توسط امام علی (ع)

عایشه به دلیل نسبتش با رسول اکرم (ص) و ام المؤمنین بودن، از احترامی خاص برخوردار بود. امام علی (ع) پس از جنگ جمل، مقدمات سفر او را فراهم ساخت و به محمد بن ابی بکر دستور داد که خواهرش را همراهی کند و او را به مدینه بازگرداند و به این منظور، چهل تن از زنان محترم و سرشناس بصره را همراه او راهی مدینه کرد. روز شنبه یکم ماه رجب سال ۳۶ کاروان عایشه به راه افتاد و عده‌ای از مردم او را مشایعت کردند. امام علی (ع) نیز او را تا مسافتی مشایعت کردند. چهل زنی که به فرمان امام (ع) عایشه را همراهی می‌کردند لباس مردانه پوشیده بودند تا غریبه‌ها خیال کنند آنها مرد هستند و به ذهن کسی افکار ناروا درباره آنان و همسر رسول اکرم (ص) خطور نکند. عایشه نیز تصور می‌کرد که علی (ع) برای محافظت از او مأموران مرد را گماشته است و پیوسته از این موضوع گله می‌کرد تا وقتی به مدینه رسید و پی برد که آنها زن هستند. آن گاه از اعتراض خود پوزش خواست و گفت: «خدا فرزند ابوطالب را پاداش نیک دهد که حرمت رسول خدا (ص) را درباره من رعایت کرد» (سبحانی، ۱۳۸۷: ۴۶۱-۴۶۲).

این رفتار امام حاکی از آن است که در مواردی که ضرورتی ایجاب می‌کند، می‌توان از زنان برای حفظ امنیت بهره برد. غیر از این دو نمونه، موارد دیگری هم در این باره می‌توان یافت که به دلیل اختصار به همین دو مورد اکتفا می‌شود.

ج- دلیل عقلی

۱- سیره عقلا

بنای عقلا با دو مقدمه بر لزوم استفاده از پلیس زن حکم می‌کند: مقدمه نخست، عدم ردّ شارع در خصوص به کارگیری زنان در پلیس است و سکوت شارع، خود نوعی تقریر است؛ چراکه شارع، یکی از عقلا و رئیس آنهاست. از سوی دیگر، به کارگیری پلیس مرد در مأموریت‌های خاص زنان یا پاسخگویی پلیس مرد به ارباب رجوع زن، هم برای پلیس مرد و هم برای مراجعه کننده زن، با مشقت و سختی همراه است و حتی اجرای مأموریت را با مشکلاتی عدیده همراه

می‌کند و با توجه به آنکه در اسلام، احکام حرجی برداشته شده است، به کارگیری مردان در امور مربوط به زنان که توأم با عسر و حرج است، جعل نشده است. بنای عقلا در این گونه موارد بر این است که با توجه به سکوت شارع و عدم امکان به کارگیری پلیس مرد در امور مربوط به مجرمان و متهمان زن، امر فقط در به کارگیری پلیس زن در این گونه از مأموریت‌ها منحصر شده و امکان ترک آن نیز با توجه به وجود کفایی حفظ نظام، امکان‌پذیر نیست (رأیجی پارسائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۳).

۲- مقدمه واجب

دین اسلام - آن گونه که برخی از افراد ناآگاه و ساده‌اندیش پنداشته‌اند و یا آن گونه که برخی از علمای ساده‌اندیش تحت تأثیر القائات استعمارگران و دست‌نشانندگان آنان گفته‌اند - فقط در پاره‌ای اعمال عبادی و آداب و مراسم شخصی منحصر نیست؛ بلکه اسلام نظامی است گسترده و فراگیر که جمیع آنچه انسان بدان نیازمند است و تمام آنچه در زندگی دنیوی و امور اخروی خود، از ابتدای خلقت تا آخرین مراحل زندگی فردی و اجتماعی خود با آن رو به رو است و همه آنچه بر انسان واجب است و یا سزاوار است که وی در قبال آفریننده خویش - خداوند سبحان - و خانواده و محل زندگی و ارتباط‌های سیاسی - اقتصادی، رابطه با رهبری، و حتی سایر ملل و امتهای رعایت کند، همه را در درون خویش جای داده است. از سویی دیگر، دین اسلام منحصر به قوه مقننه و صرف تشریح احکام بدون توجه به قوه مجریه و چگونگی اجرا و اعمال آن در جامعه نیست. بلکه اساس مقررات و احکام اسلام بر پایه حکومت صالحه عادلانه‌ای پی‌ریزی شده است که از قدرت لازم بر اجرا و اعمال دستورات آن برخوردار باشد. در شریعت اسلام، قانون‌گذاری و اجرا درهم آمیخته شده و تشکیل حکومت صالحی که قوانین را اجرا کند، از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام است که در سراسر نظام اسلام بر آن تاکید شده است؛ به گونه‌ای که تعطیلی حکومت، تعطیلی اجرای بسیاری از احکام اسلام را به دنبال خواهد داشت و به همین جهت است که بر مسلمانان واجب است همواره نسبت به امر حکومت اسلامی اهتمام ورزند.

پس پاسداری از نظام جمهوری اسلامی در برابر خطرها و حملات دشمنان داخلی و خارجی واجب کفایی است و تحصیل همه مقدمات برای انجام دادن این واجب (یعنی حفظ نظام) امری واجب تلقی می‌شود و مخالفت با آن، مخالفت با امر واجب خواهد بود. در این راستا، لزوم مقابله با مجرمان مرد و زن، از لوازم پاسداری از نظام محسوب می‌شود و همان طور که برای انجام واجبی چون نماز، به وضو به عنوان مقدمه آن نیاز داریم، به کارگیری پلیس زن نیز برای مقابله با مجرمان زن امری لازم و ضروری است (رأیجی پارسائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲).

۳- ضرورت دفع ضرر محتمل

بنای عقلا بر این است که در مواردی که در انجام کاری، احتمال بروز مفسده وجود دارد، دست به انجام آن نمی‌زنند یا اسباب بروز مفسده را پیشاپیش از بین می‌برند. در باب مراجعه زنان به پلیس مرد یا در دستگیری متهمان یا مجرمان زن توسط پلیس مرد نیز زمینه برای نگاه‌های غیر ضروری و اختلاط مرد و زن فراهم است و احتمال بروز مفسده برای پلیس مرد نیز متصور است. با توجه به اینکه سلامت فردی و خانوادگی کارکنان ناجا مقدمه انجام دادن واجب (یعنی مأموریت‌های محوله) است، می‌توان از آن وجوب احتراز از هر امر حرام یا مکروهی را که امکان انجام دادن واجب را به خطر اندازد، نتیجه گرفت و این امر جز با به کارگیری پلیس زن ممکن نخواهد شد (رایجی پارسائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲). یعنی با وجود پلیس زن، دیگر لازم نمی‌آید که مرد با زن نامحرم تماس غیر ضروری داشته باشد؛ بنابراین، ضرورت دفع ضرر محتمل ایجاب می‌کند با به کار گرفتن پلیس زن، از ایجاد فساد و گناه جلوگیری کنیم.

د- اصول عملیه

اصول عملیه وظایف عملیه‌ای است که شارع مقدس به منظور بیرون بردن مکلف از حیرت و سرگردانی، جعل و تشریح کرده است و هیچ‌گونه کاشفیتی از واقع ندارند؛ یعنی اگر مکلف سر دوراهی قرار گرفت که عملی را انجام بدهد یا نه، اصول عملیه راه را روشن کرده و او را از تحیر خارج می‌سازد. نام دیگر اصول عملیه "ادله فقاهتیه" است و این اصول، در طول اصول لفظیه عقلائی و ادله اجتهادیه هستند.

یکی از این اصول عملیه، برائت است که در موارد شک در اصل تکلیف جاری می‌گردد. پس از شک در اصل تکلیف حضور زن به عنوان پلیس و پس از فحص از ادله و یأس از آن، جای اصل برائت خواهد بود. این در جایی است که از ادله دیگر نتوان حکم را برداشت کرد. حداقل اثر اجرای اصل برائت در این موارد، حکم به اباحه حضور زن به عنوان پلیس خواهد بود.

ه- قواعد فقهی

از قواعد فقهی مختلفی در اینجا می‌توان بهره برد که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱- قاعده لاضرر و لا ضرار فی الاسلام

گاهی بزه‌دیده یا بستگان او شرم و حیا کرده و همه جزئیات و ابعاد جرم ارتكابی را بیان

نمی‌کنند و در نتیجه، روند پرونده دچار مشکل می‌شود. این شرم و حیا گاهی اوقات، به دلیل همجنس نبودن بزه‌دیده با پلیس است؛ مانند زن بزه‌دیده ای که نمی‌تواند جزئیات تجاوز جنسی را برای پلیس مرد بازگو کند که در این موارد، با توجه به وجود پلیس زن، باید جزئیات لازم به پلیس زن گفته شود (قوام، ۱۳۹۲: ۱۲۶). بنابراین، می‌توان ادعا نمود که استفاده از پلیس مرد در مرادوات با زنان، ایجاد ضرر می‌کند و از مصادیق ضرر در این گونه موارد، می‌توان به عدم امکان اظهار جزئیات جرائم توسط زنان بزه دیده در حضور مردان پلیس اشاره کرد. همچنین، عدم حضور پلیس زن و ایجاد تعامل بین پلیس مرد با زنان بزه دیده یا زانی که بستگان بزه‌دیده هستند، پلیس مرد را در معرض لغزش، تخلف و حتی جرائم اخلاقی یا حداقلی، در مظان اتهام قرار می‌دهد؛ بنابراین، بر اساس قاعده نفی حکم ضرری در اسلام، چنانچه اجرای مأموریت توسط پلیس مرد مستلزم ضرری باشد، ضرر وارده با توجه به قاعده مذکور، با استخدام و به کارگیری زنان در امور مراجعان، متهمان یا مجرمان زن مرتفع می‌شود (رأیجی پارسائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳).

۲- قاعده الضرورات تبیح المحظورات

بر اساس این قاعده، هر گاه انجام دادن هر محظوری - اعم از حرام و ترک واجب و تأخیر واجب فوری - ضرورت پیدا کند، مباح خواهد شد. مراد از ضرورت در اینجا احتیاج شدید است به گونه‌ای که اگر آن محظور انجام نگیرد، حرامی بزرگتر انجام و یا واجبی بزرگتر فوت خواهد شد (وطنی، ۱۳۸۱: ۱۸۹). بهره‌مندی از این قاعده نیازمند شرایطی است: اول آنکه، ارتکاب فعل حرام باید تنها راه دفع ضرورت و نجات نفس باشد و دوم آنکه، اقدام مضطر باید به قدر حاجت و متناسب با شرایط و اوضاع و احوال اضطراری باشد. اقدامات اضطراری نیز باید با رعایت الأسهل فالأسهل باشد و به قدر ضرورت و نیاز صورت گیرد؛ زیرا هر چند گفته می‌شود که «الضرورات تبیح المحظورات» اما در کنار آن، قاعده «الضرورات تقدر بقدرها» هم وجود دارد که یک قاعده عقلی است و مفاد آن این است که تنها تا زمان رفع حالت ضرورت و به تناسب خطر و تهدید موجود، انجام فعل اضطراری جایز است. گاه با یک اقدام مباح می‌توان از خود، رفع خطر کرد و گاه دفع خطر، مستلزم ارتکاب فعلی است که در شرایط عادی نامشروع است. در ارتکاب فعل محرم هم رعایت مقدار مورد لزوم مد نظر است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۴۸). بر این اساس و با توجه به آنکه در به کارگیری پلیس مرد در مأموریت‌هایی که در آن زنان مجرم و اغتشاشگر حضور دارند، زمینه برای ارتکاب فعل حرام مهیا می‌شود، فقط در صورتی که امکان دسترسی

به پلیس زن مقدور نباشد، استفاده از پلیس مرد در آن مأموریت‌ها از لحاظ شرعی بدون اشکال خواهد بود. نتیجه آنکه، لازم است پلیس مرد در مأموریت‌های خاص زنان، فقط در محدوده مقرر در شرع به کارگیری شود و در غیر این صورت، لازم است اجرای مأموریت‌های محوله از طریق پلیس زن انجام شود (رأیجی پارسائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵).

۳- قاعده الضرورات تقدّر بقدرها

ضرورت‌ها دارای حد و اندازه می‌باشند و در تمسک به آنها برای دفع ضرر، باید به حداقل اکتفا کرد و ضرر را به قدر امکان باید دفع کرد؛ بنابراین، ضرورت حالتی نادر و استثنایی است و در تفسیر آن باید سخت‌گیری و دقت نمود (وطنی، ۱۳۸۱: ۱۹۶). بر اساس این قاعده، استفاده از پلیس مرد فقط تا زمانی که پلیس زن حضور نداشته باشد، مجاز است و زمانی که به کارگیری پلیس زن در راستای مأموریت‌های ذاتی‌اش امکان‌پذیر شد، استفاده از پلیس مرد، نوعی مخالفت با حکم محسوب می‌شود؛ بر این اساس، لازم است مسئولان امر با تدابیر و تمهیدات لازم، موقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر حضور پلیس زن در مأموریت‌ها یا در محل خدمت را به خوبی رصد نمایند و به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که پلیس زن در یگان یا محل مأموریت حضور داشته باشد (رأیجی پارسائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳).

۴- قاعده ملازمه

حکم عقل و حکم شرع همیشه در تلازم است؛ یعنی هر چه را که عقل به لزوم آن حکم کند، دین هم به لزوم آن حکم می‌کند و هر چه را که دین به لزوم آن حکم کند، عقل هم به لزوم آن حکم می‌کند؛ به این معنی که اگر عقل يك مصلحتی را کشف کرد (کشف یقینی و قطعی نه کشف احتمالی و گمانی) در اینجا باید حکم کنیم که حتماً دستور اسلام همین است؛ حتی اگر آن دستور به ما نرسیده باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ۲۱: ۱۶۷).

ضرورت حضور زن در بخش‌های مختلف پلیس برای انجام امور زنان مجرم، بزه‌دیده یا متهم، از طریق عقل محرز می‌شود. از سوی دیگر، لزوم استفاده از پلیس زن در این امور، امری عقلایی است؛ از این رو، از وجوب عقلی به کارگیری پلیس زن در مأموریت‌ها با حضور زنان مجرم و اغتشاشگر - با واسطه این قاعده - وجوب شرعی به کارگیری پلیس زن را می‌توان استخراج کرد.

۵- قاعده حفظ نظام

واژه "نظام" دارای یک مفهوم عام و یک مفهوم خاص است. نظام در مفهوم عام، به معنای سامان داشتن زندگی مردم و استقرار نظم و عدالت در جامعه است که در اصطلاح به آن "نظام عام یا

کلان اجتماعی "گفته می‌شود و در مفهوم خاص، شامل نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شود؛ به طوری که حفظ یا اختلال هر یک از آنها، به حفظ یا اختلال آن نظام عام و کلان خواهد انجامید. گاهی نیز نظام به معنای حدود و ثغور یا کیان کشور و سرزمین‌های اسلامی، حکومت یا نظام سیاسی، بیضه یا مرکزیت جامعه مسلمین و نظام اسلام به کار می‌رود. برجسته‌ترین مفهوم مورد نظر فقها در متون دین "نظام اسلام" است (ملک افضلی، ۱۳۸۹: ۱۱۱). با بررسی فقه شیعه روشن می‌شود که این قاعده از گستردگی و دامنه شمول زیادی برخوردار است؛ به طوری که قابل جریان در همه ابواب فقهی است. قاعده فقهی حفظ نظام را از آن جهت که ۱. در ابواب گوناگون فقه به کار می‌رود؛ ۲. مورد اتفاق فقهای شیعه و سنی است؛ ۳. منصوص نیست؛ یعنی نص خاصی برای آن در منابع فقهی وجود ندارد بلکه از منابع مختلف به دست آورده می‌شود و ۴. در بردارنده حکم واقعی است نه ظاهری، می‌توان قاعده‌ای عام یا رئیس، متفق علیه، اصطیادی و واقعی دانست (ملک افضلی، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

از آنجا که به قول مرحوم نایینی، لزوم قوای نظمیه برای حفظ نظام از بدیهیات است (نایینی، ۱۴۲۴: ۱۲۷) و بخشی از نظم و محافظت از نظام، به وسیله پلیس زن صورت می‌گیرد، این قاعده نیز بر لزوم حضور زن در پلیس صحنه می‌گذارد. نظر به اهمیت حضور عملیاتی پلیس‌های زن در جامعه امروزی و آسیب‌هایی که از فقدان حضور آن‌ها ناشی می‌شود و با عنایت به قاعده حفظ نظام، ضروری دانستن حضور زن در مأموریت‌های پلیس اهمیتی دوچندان می‌یابد.

۶- قاعده نفی عسر و حرج

بنای عقلا قائم بر عدم تجویز تشریح احکام حرجیه در تمامی ابعاد است و شارع مقدس که خود رئیس عقلاست، نمی‌تواند از يك سیره مسلم عقلائی تخطی کند. به تعبیر دیگر، مدرکات عقل عملی - که همان آرای محموده باشد - حکم به عدم تجویز حکم حرجی می‌کند (لاینبغی فعله) و شارع مقدس، پس از کشف این مطلب که در متعلق حکم حرجی مفسده، وجود دارد، قهراً آن حکم را فاقد ملاک و بنابراین، مرفوع اعلام می‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱: ۳۶۸).

همان طور که در قاعده لاضرر اشاره شد، عدم حضور پلیس زن و ایجاد تعامل بین پلیس مرد با زنان بزه دیده یا زنانی که بستگان بزه دیده هستند، پلیس مرد را در معرض لغزش، تخلف و حتی جرائم اخلاقی یا حداقل، در مظان اتهام قرار می‌دهد؛ بنابراین، بر اساس قاعده نفی عسر و حرج، چنانچه اجرای مأموریت توسط پلیس مرد، مستلزم عسر و حرج باشد، عسر و حرج وارده با توجه به قاعده مذکور با استخدام و به کارگیری زنان در امور مراجعان، متهمان یا مجرمان زن

مرتفع می‌شود. این عسر و حرج ممکن است از این جهت باشد که پلیس مرد برای عدم ارتکاب حرام مجبور به تحمل سختی بیش از اندازه گردد؛ بنابراین، از آنجا که از یک سو حکم حرجی منفی است و از سوی دیگر، تأمین امنیت جامعه اسلامی در هر صورت لازم است، می‌توان با استفاده از پلیس زن در چارچوب شرع، مانع از این حرج گشت.

۷- قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان

از دیگر قواعد فقهی مستفاد از آیات قرآن، قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان است؛ بر این اساس، هر نوع کمک برای تحقق گناه، حرام است. خداوند سبحان امر به تعاون بر بَرّ و تقوا کرده است و همچنین، از تعاون بر اثم و عدوان نهی فرموده است. این مهم، به اعتبار فعل واحد یا قضیه واحده و یا واقعه واحدی نیست بلکه خطاب به عموم مسلمانان و مؤمنان است که هر کدام، دیگری را در بَرّ و تقوا یاری دهد و در اثم و گناه، مساعدت و کمک ننماید (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ۲: ۲۲۸ و ۲۲۹).

در صورت عدم به‌کارگیری پلیس زن در مواردی، به نوعی اعانت و کمک بر اثم و گناه پلیس مرد صورت می‌گیرد که حرام است؛ بنابراین، از این قاعده هم می‌توان بدین صورت استفاده نمود که با به‌کارگیری پلیس زن در این گونه موارد، می‌توان مانع گناه احتمالی توسط پلیس مرد شد؛ گناهایی که تماس با نامحرم، نگاه به نامحرم و ... از جمله آنهاست.

الزامات حضور زن در شغل پلیس

پس از اثبات جواز فقهی حضور زن در شغل پلیس، باید به الزامات حضور زن در آن نیز توجه نمود؛ گرچه به دلایل مختلف به این نتیجه رسیدیم که در مواردی، حضور زنان در شغل پلیس جایز و حتی گاهی واجب است ولی این به معنای جواز حضور زن در جامعه و شغل پلیسی به هر شکل ممکن نیست. با توجه به احکام مختلف درباره حضور زن و نحوه مواجهه با نامحرم، باید توجه کرد که در موارد اشتغال زن در پلیس نیز رعایت موارد زیر ضروری است:

۱- عفت در نگاه و معاشرت

یکی از احکام قطعی فقهی امامیه درباره حضور زن در جامعه و از جمله در شغل پلیسی، لزوم رعایت عفت در نگاه و معاشرت است. این احکام که از نص صریح آیات قرآن برداشت شده است، هیچ‌گونه مماشاتی را نمی‌پذیرد. خداوند متعال در این باره در قرآن کریم فرموده است:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ به مؤمنان بگو

چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند... و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند» (نور: ۳۱ و ۳۰)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه چنین آورده است: «این آیه به جای اینکه نهی از چشم‌چرانی کند، امر به پوشیدن چشم کرده و فرقی ندارد، آن امر این نهی را هم افاده می‌کند و چون مطلق است نگاه به زن اجنبی را بر مردان، و نگاه به مرد اجنبی را بر زنان تحریم فرموده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۱۵۵).

نگاه می‌تواند اساس انحراف و حسرت طولانی باشد. آن گونه که امام صادق (ع) فرمودند: «التَّظَرُّ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظَرِهِ أُورِثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً؛ نگاه تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسا نگاهی که حسرتی طولانی به دنبال آورد.» (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۰۹) روشن است که در هنگام فعالیت اجتماعی در شغل پلیس، زنان ناچار از معاشرت با مردان نامحرم خواهند بود؛ ولی باید بکوشند که در معاشرات خود عفت بورزند و از نگاه بدون ضرورت و بدون عفت پرهیز نمایند؛ بنابراین، حداقل چیزی که از زن و مرد نامحرم انتظار می‌رود این است که از نگاه غیر ضروری و گناه آلود اجتناب ورزند.

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛ و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.» (احزاب: ۵۳)

استاد شهید مرتضی مطهری بر این باور است که آنچه اسلام می‌گوید، نه آن چیزی است که مخالفان اسلام، اسلام را بدان متهم می‌کنند (یعنی محبوس نمودن زن در خانه) و نه نظامی است که دنیای جدید آن را پذیرفته است و عواقب شوم آن را می‌بیند (یعنی اختلاط زن و مرد در مجامع)؛ در حقیقت، حبس کلی زن در خانه، نوعی مجازات بود که به طور موقت در اسلام برای زنان بدکار مقرر شد:

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا؛ زنانی از شما که مرتکب زنا می‌شوند چهار شاهد بر آنان بگیرید. اگر چهار شاهد شهادت دادند (به ترتیبی که به تفصیل در سنت بیان شده و فقه متصدی آن است) آنان را در خانه حبس کنید تا عمرشان به پایان رسد یا خدا راه دیگری برایشان معین کند.» (نساء: ۱۵)

اسلام نه حبس را می پسندد و نه اختلاط بلکه دستور صریح اسلام، حفظ حریم است. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا (ص) همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شده اند ولی همواره اصل "حریم" رعایت شده است. در مساجد و مجامع، حتی در کوچه و معبر نیز زن با مرد مختلط نبوده است و شرکت مختلط زن و مرد در برخی مجامع، مانند برخی مشاهد مشرفه که در زمان حاضر، محل ازدحام است، بر خلاف مرضی شارع مقدس اسلام است (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۹، ۵۵۲-۵۵۰). اختلاط زن و مرد آن قدر مورد توجه فقهاست که برخی از فقها^۱ اشتغال به کاری را که مستلزم اختلاط زن و مرد باشد، اساساً جایز نمی دانند؛ از این جهت، باید توجه کرد که انجام امری مباح یا مستحب و حتی واجب نباید به قیمت زیر پا گذاشتن واجبات دیگر صورت پذیرد؛ پس حضور زن در اجتماع - از جمله در شغل پلیس - باید با در نظر داشتن حریم الهی و معاشرت بدون اختلاط غیر ضروری انجام پذیرد.

۲- حجاب

پوشش زن در مقابل نامحرم از دستورات صریح قرآن کریم است؛ آنچنان که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلبابها (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند.» (احزاب: ۵۹)

همچنین، در بخشی از آیه ۳۱ سوره نور این گونه آمده است:

«وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ و زینت خود را - جز آن مقدار که ظاهر است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود).»

نیاز به توضیح بیشتر نیست که بر زنان واجب است غیر از گردی صورت و مچ دست به پایین، سایر اعضای بدن خود را از نامحرم بیوشانند. البته - همان طور که در احکام فقها آمده است - اگر آشکار کردن صورت و دست ها نیز باعث فساد و تلذذ و ریبه^۲ گردد، پوشاندن آن نیز واجب می گردد (موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ۳: ۲۵۵).

1. آیت الله تبریزی در پاسخ به این استفتاء که «انتخاب یا استمرار شغلی که با ارتباط زن و مرد همراه می باشد، چگونه است؟» فرموده اند: «اختلاط زن با مرد نامحرم منافی با عفت زن می باشد و اشکال شرعی دارد و الله العالم» (تبریزی، بی تا، ۲: ۳۵۷).

2. ریبه در لغت به معنای تهمت، بدگمانی و شک آمده است؛ از این رو، به افراد متهم و مشکوک اهل ریبه گویند. برخی لغویان ریبه را به شک توأم با خوف معنا کرده و گفته اند: حقیقت ریبه ترلز و اضطراب قلب است. ریبه در کاربرد فقهی در مسئله نظر به نامحرم، به خوف وقوع در حرام، بیم فروافتادن در فتنه و به آنچه در ارتباط با نامحرم، هنگام نظریه او در ذهن خطور می کند از میل به بوسیدن، در آغوش گرفتن و مانند آن، تفسیر شده است (ویکی فقه).

۳- وقار و متانت

از دیگر واجبات حضور زنان در مجامع عمومی، حفظ وقار و متانت و پرهیز از بروز رفتارها و حرکات سبک و تحریک کننده است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«وَلَا يَصْرِيحُنَّ بِالْأَجْلِهِنَّ لِئَلَّا يَكْفُرَ الْغَائِبُونَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ آنها هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخالی که به پا دارند، به گوش رسد).» (نور: ۳۱)

زنان در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود، آن چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی که در پای دارند، به گوش مردان بیگانه خودداری کنند و این گواه باریک بینی اسلام در این زمینه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۴: ۴۴۱). از این دستور می‌توان فهمید که هر چیزی که موجب جلب توجه مردان می‌گردد (مانند استعمال عطرها، تند و همچنین، آرایش‌های جالب نظر در چهره) ممنوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری انجام دهد که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۹: ۴۹۱).

قرآن کریم در توصیف راه رفتن دختران حضرت شعیب در حضور حضرت موسی (ع) می‌فرماید:

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا؛ ناگهان یکی از آن دو به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت و گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان را برای ما به تو بپردازد.» (قصص: ۲۵)

مطابق تفسیر علامه طباطبایی (ره) "استحیاء" برای رساندن عظمت آن حالت است و مراد از اینکه راه رفتنش بر استحیاء بوده است، این است که عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۱۶: ۳۵).

بنابراین حرکت با حفظ حیا و پرهیز از جلب توجه، از لوازم حضور زن در مکان‌های عمومی است که نامحرم‌ان نیز در آن حضور دارند.

۴- عفت در کلام

عفت در کلام هم می‌تواند از موارد عفت در معاشرت باشد ولی به دلیل اهمیت بسیار، به صورت جداگانه ذکر می‌گردد. دستورات اسلام با پیشگیری از همه موارد تحریک کننده شهوت، مانع از ایجاد فساد در جامعه می‌گردد. از جمله این موارد، سخن گفتن سخنان همراه با عشوهِ از سوی زنان است:

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ بنا بر این به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید.» (احزاب: ۳۲)

پلیس زن مسلمان همواره باید به خاطر داشته باشد که سخن گفتن او نباید باعث تهییج و تحریک نامحرمان گردد؛ چرا که رعایت عفت در کلام و پرهیز از عشوهِ در سخن، یکی از واجبات غیر قابل انکار در مواجهه زنان با مردان است و فقط در صورت رعایت دستورات دین است که حضور زن در جامعه و معاشرت وی با مردان بدون آسیب خواهد بود و پلیس بودن و اقتدار داشتن، منافاتی با داشتن ویژگی های زنانه ندارد.

نتیجه گیری

تحقیقات در موضوعات مربوط به نگاه دینی به اشتغال زنان، اغلب، حول مبانی اشتغال زن از نگاه اسلام به شکل کلی صورت پذیرفته و به شغل خاص پلیس نظری نداشته است و یا اگر به شغل پلیس نظر نموده است، فقط به بخشی از آن (مانند یگان ویژه) پرداخته شده است. در مواردی هم بعد سیاسی مناصب برای زنان مورد توجه قرار گرفته و جواز فقهی و حقوقی حضور زن در جایگاه های سیاسی را مورد بررسی قرار داده است. اما تحقیق حاضر، به مبانی فقهی حضور زن در شغل پلیسی، به شکل جامع، از دیدگاه فقه شیعه پرداخته و لوازم این حضور را نیز از نگاه فقهی بررسی نموده است.

نتیجه یافته ها در زمینه ادله فقهی مشروعیت حضور پلیس زن حاکی از آن است که علاوه بر آموزه های اسلامی - اعم از قرآن و سنت - دلایل عقلی و قواعد فقهی بسیاری هم بر مشروعیت حضور پلیس زن حکم داده است و یا آن را تقویت نموده است. این دلایل ضمن تبیین ضرورت حفظ کرامت انسانی زن، بنا به ضرورت و به بنا به حکم ثانوی، مجوز حضور پلیس زن را جهت حفظ امنیت کشور و مقابله با دشمنان صادر کرده اند. حفظ مصالح جامعه بر همه افراد لازم و واجب است و سکوت زنان در برابر مصالح جامعه جایز نیست؛ بر این اساس، همه مسلمانان - اعم از زن و مرد - باید درباره سرنوشت جامعه اسلامی حساس و هوشیار باشند. بررسی تاریخ صدر اسلام و سیره نبوی و علوی نیز حاکی از آن است که در مواقع لزوم، پیامبر و امام علی (ع) اجازه حضور زنان در میدان های جنگی را صادر می فرمودند و زنان نیز همانند مردان به دفاع از اسلام و پیامبر (ص) می پرداختند؛ بدین ترتیب، دفاع از کیان اسلام در مقابل دشمنان بر زن و مرد واجب است و این امر کاملاً محرز است که مقابله با بعضی از جرایم از جمله جرایمی که در

مأموریت‌های یگان ویژه تعریف شده است، از مصادیق جهاد دفاعی در مقابل دشمنان محسوب می‌شود که وجوب آن از نظر گذشت. بدین معنا، نیروی انتظامی و به ویژه یگان ویژه آن، در کنار سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ابزار مهم دفاعی حکومت در مقابل دشمنان داخلی مانند شورشیان مسلح و دشمنان خارجی است.

در واقع، نتیجه این تحقیق، جواز فقهی اشتغال زنان با رعایت ملاحظات شرعی است؛ با این تفاوت که در تحقیقات گذشته، به شغل پلیس اشاره ای نشده و یا فقط به بخشی از آن (مثل یگان ویژه) پرداخته شده بود؛ اما در این تحقیق نگاه فقهی به حضور زنان در پلیس به شکل جامع‌تر مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از احراز جواز فقهی حضور زن در شغل پلیس، موضوع مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت الزامات این حضور است که از نگاه فقهی به آن پرداخته شده است. رعایت حجاب، حفظ عفت در نگاه و معاشرت، وقار و متانت، عفت در کلام و پرهیز از دست دادن و تماس بدنی غیرضروری، از الزامات حضور زن در شغل پلیس است.

پیشنهادها

- تبیین ابعاد فقهی حضور پلیس زن برای نیروهای خدوم انتظامی؛
- گسترش نگاه فقهی به امور مختلف در نیروی انتظامی؛
- بررسی راهکارهای کاهش آسیب زنان پلیس در جامعه اسلامی و افزایش توانمندی‌های تخصصی - اجتماعی ایشان؛
- افزایش میزان اهمیت مدیران به نقش زنان پلیس در خانواده و توجه به الزامات آن؛ به عنوان مثال: از طریق کاهش ساعت کاری و عرضه حمایت‌های مختلف مادی و معنوی و تکریم نقش مادری و همسری.

منابع

- قرآن کریم.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸)، عدالت جنسیتی و اشتغال زنان، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۶.
- افتخار جهرمی، گودرز و داودی، مجید (۱۳۹۰)، اشتغال زن و نقش اجازه شوهر در آن، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۶.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، تحقیق و تصحیح جلال الدین محدث، قم: دار الکتاب.
- بلالی، اسماعیل؛ سیاح، مونس، و محبی، سیده فاطمه (۱۳۹۴)، ورود زنان به مشاغل مردانه: دلایل و پیامدها؛ واکاوی کیفی آرای کارشناسان، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۳، شماره ۳.
- پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان مهرخانه (۱۳۹۶)، قرآن از اشتغال زنان چه می‌گوید، نشست اشتغال زنان در قرآن و مصلحت.
- پلیس زن و پیشگیری از مواد مخدر (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات همایش پلیس زن و مبارزه با مواد مخدر و روانگردان، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- تاج مزینانی، علی اکبر و یاسری، زینب (۱۳۹۲)، «بررسی سیاست‌گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۹.
- تبریزی، جواد بن علی (بی تا)، استفتائات جدید (تبریزی)، بی نا.
- جعفرپور، جمشید (۱۳۸۶)، بررسی فقهی و حقوقی اشتغال زنان، حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.
- جلالی کندی، سهیلا (۱۳۸۴)، آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴.
- جوانمرد، طاهره (۱۳۸۷)، زن و مشارکت سیاسی در اسلام، طهورا، شماره ۲.
- چوپانی رستمی، محسن و مدبر، لیلا (۱۳۸۶)، «پلیس زن و خانواده با تأکید نقش اشتغال زنان بر خانواده»، پلیس زن، شماره ۴.
- حاجی محمد حسن، زهرا (۱۳۹۴)، بررسی موارد منع و محدودیت اشتغال زنان از دیدگاه فقهی و حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- حسن زاده، تکتک (۱۳۹۵)، بررسی مبانی فقهی و احکام اشتغال بانوان در محیط‌های اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار العلم و دمشق: الدار الشامیه.

- رائجی پارسایی، نرگس؛ کاظمی، علی‌رضا و حاتمی، اصغر (۱۳۹۴)، مبانی فقهی نقش پلیس زن در یگان‌های ویژه، مطالعات پلیس زن، شماره ۲۴.
- ربیع نتاج، سیدعلی اکبر و روح اله زاده اندواری، عالیه (۱۳۸۹)، حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۶.
- رفیعی، حسن رضا (۱۳۸۰)، امور انتظامی در نظام حسبه اسلامی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- زعفرانچی، لیلآسادات (۱۳۸۸)، اشتغال زنان: «اشتغال زنان در آرا و ادبیات فقهی» (مریم احمدیه)؛ «اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها/از نگاه مدیریت اجتماعی» (محمدرضا زیبایی نژاد)، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷)، فروغ ولایت: تاریخ تحلیلی زندگانی امیرالمؤمنین علی (ع)، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
- شایگان، فریبا (۱۳۹۵)، شیوه‌های جذب پلیس زن در یگان ویژه، منابع انسانی ناجا، شماره ۴۴.
- شایگان، فریبا؛ مباشر مقدم، نرگس و محمدقلی‌ها، فاطمه (۱۳۹۳)، «چالش‌های فقهی-حقوقی تصدی مناصب انتظامی توسط زنان در جمهوری اسلامی ایران، پلیس زن، دوره هشتم، شماره ۲۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، میزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، قم: اسلامی.
- عاقبتی، پریسا (۱۳۹۳)، پژوهشی در اشتغال بانوان از دیدگاه اسلام، فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی، شماره ۳۹.
- عاملی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین، قم: مؤسسه الفقه.
- العبدلخانی، ساجده و بحرینی، محمدجواد (۱۳۹۴)، جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره ۵.
- عترت‌دوست، محمد و وزیری فرد، محمدجواد (۱۳۹۲)، «بررسی ادله فقهی مخالفان ولایت سیاسی زنان در فقه شیعه»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دوره نهم، شماره ۳۳.
- غروی نائینی، میرزا محمد حسین (۱۴۲۴ق)، تنبیه‌الأمه و تنزیه‌المله، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- فراهانی، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام (۱۴۲۶ق)، رساله جهادیه، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- قوام، سیدعظیم (۱۳۹۲)، نقش بزه‌دیدگان در کشف جرم و حمایت پلیس از آنان، انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره ۳.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، زهرا (۱۳۹۵)، ضرورت به کارگیری پلیس زن در یگان ویژه، پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، سال چهارم، شماره ۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۶)، شایستگی زنان برای قضاوت و مناصب رسمی، حکومت اسلامی، شماره ۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملک افضلی، محسن (۱۳۸۹)، آثار قاعده حفظ نظام، حکومت اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۴.
- موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه، تهران: عروج.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۲ق)، استفتائات، قم: اسلامی.
- مهریزی، مهدی (۱۳۷۶)، زن و سیاست، گرایش‌ها و نگارش‌ها، حکومت اسلامی، شماره ۴.
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۹۴)، احیای اسلام و هویت اسلامی، جلد ششم، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- نادرپور، محمدرضا؛ حبیب زاده، اصحاب و حسین پور، جعفر (۱۳۸۸)، ویژگی پلیس زن مسلمان (مجموعه مقالات پلیس زن و توسعه امنیت عمومی)، تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- نوری، اعظم (۱۳۹۰)، بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام، نامه جامعه، شماره ۸۵ و ۸۶.
- وطنی، امیر (۱۳۸۱)، بررسی فقهی اضطرار و ضرورت، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۱.